

حکم تزویر در شریعت اسلام و کود جزای افغانستان

هدیت الله هدفمند نبی پور^۱

چکیده

تزویر از جمله جرایم ضد منافع عمومی و جرایم اصلی سلب اعتماد عمومی و اخلال نظام اقتصادی، اجتماعی و ... در کشور است که به خوبی می تواند روابط بین خود ملت، و ملت و دولت را خدشه دار سازد. یکی از شرایط اساسی یک دولت قانون محور و با ثبات این است که اسناد و مدارک شان خالی از جعل و تزویر باشد؛ چون تمام عملکردهای مهم و اساسی دولت روی این اسناد و مدارک انعکاس می یابد و تمام حقوق و وجایب دولت و افراد در آن مشخص می گردد که متکی به آن می توانند حقوق شان را به دست آورند. از طرف دیگر، این پدیده یکی از عوامل مهم و ناکارآمدی اجتماعی در جامعه محسوب می شود. با توجه به عصر تکنالوژی و اینترنت و توسعه شبکه های ارتباطات و مبادلات داخلی و بین المللی، ضرورت سرعت و سهولت در انجام قراردادهای، معاملات، حفظ اعتبار اسناد و نقش حیاتی آنها در تمامی شئون و اطراف زندگی انسانها، شایسته است تا مسئولان ذی ربط با تدوین ضوابط و مقررات خاص، اطمینان و امنیت خاطر اشخاص، شرکتها و سازمانها را فراهم سازند. برای نمونه، زمانی که شخصی این فعل را مرتکب می شود، وضعیت عمومی را مختل نموده و مانع رشد فعالیت های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... می گردد، چون هنگامی اشخاص می توانند بالای همدیگر، چه در روابط داخلی و چه در روابط بین المللی، اعتماد نمایند که روابط شان خالی از جعل و تزویر باشد. عمل تزویر، با توجه به خطری که برای جامعه دارد، هم در فقه اسلامی و هم در کود جزا جرم پنداشته شده و مرتکب آن مستوجب مجازات تعزیری دانسته شده است. این تحقیق در صدد بررسی حکم جرم تزویر در شریعت اسلامی و کود جزای افغانستان است و نیز تلاش بر این است تا عناصر متشکله جرم تزویر را از منظر قانون جزا، مورد بحث قرار داده و مجازات این جرم را در روشنی فقه و قانون به تصویر بکشد.

کلیدواژه ها: تزویر، حکم، شریعت، قانون، جزا

^۱. ماستری حقوق جزا و جرم شناسی hh.nabipour12345@gmail.com

مقدمه

از آنجا که تزویر یکی از عمده‌ترین چالش‌های زندگی امروزی جامعه بشری گردیده و زندگی بشری امروزی را با مشکل مواجه ساخته است، ضرورت پیش‌بینی ضمانت‌های جزایی به منظور جلوگیری از تجاوز احتمالی افراد نسبت به اموال دیگران امری بدیهی است.

بدیهی است که بشر به قانون احتیاج دارد، و قانونی با دوام و عام است که بر عدالت مبتنی باشد. چنین قانونی جز به وسیله خالق هستی قابل تشریح نیست. با توجه به روحیه طغیانگر و زیاده‌طلب انسان، که با توسل به استخدام همنوعان خود به دنبال تحصیل منافع می‌رود، ایجاد تضاد و تراحم در بین انسان‌ها امری طبیعی است که در نهایت به زیرپا نهادن مقررات اجتماعی منجر می‌گردد.

از این رو، مجازات مجرمانی که مرتکب اعمال خلاف قانون می‌شوند و یا از عمل به وظایف‌شان خودداری می‌کنند، در قاموس جامعه بشری نهاده شده است. در یک جامعه اسلامی، جعل مقررات جزایی برای تأمین خیر و سعادت و مصلحت و منفعت مردم، و دفع مفسد و قلع ماده فساد صورت می‌گیرد، که خود ناشی از رحمانیت خداوند و لطف و مرحمت حق تعالی است؛ چراکه اگر خداوند شر مردم مفسد و ستمگر را به وسیله مردم مصلح و عدالت‌جو، دفع نکند، فساد و تباهی زمین را فرا می‌گیرد.

بر اساس آیه ۳۲ سوره مائده، بعثت پیامبران برای اصلاح مردمان بوده است، و به همین دلیل، ایشان را مصلحان جوامع بشری نام نهاده‌اند و این هدف، پس از ایشان به وسیله خلفای اسلامی و سپس توسط اولی الامر، باید پیگیری شود، و الاً نقض غرض خواهد بود. بنابراین، در اسلام آن قدر به مصالح عمومی اهمیت داده شده است که اگر کیفر بزهکار به مصلحت عموم باشد یعنی دفع فساد یا حفظ سلامت مردم آن را ایجاب کند، حق الهی می‌گردد که به هیچ وجه نمی‌توان آن را ساقط کرد.

۱. مفهوم‌شناسی تزویر

الف) تعریف لغوی تزویر

تزویر از باب تفعیل و از ماده زور، به معنای دروغ و باطل است. در لغت به معنای دروغ‌پردازی، آراستن کلام یا چیز دیگری، مکر کردن، فریب دادن، دوروی کردن، و گول زدن آمده است و مزور به شخصی اطلاق می‌شود که در کارها مرتکب تزویر می‌گردد (عمید، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۸۰).

ب) تزویر در اصطلاح

تزویر در اصطلاح به معنای جلوه دادن متقلبانه امر باطل و خلاف واقع در یک نوشته یا سند به جای سند اصلی است (سحاب، ۱۳۹۷: ۷۴).

ت) تزویر در اصطلاح فقهی

تزویر در اصطلاح فقهی عبارت از تحسین و توصیف شیء است برخلاف آنچه که هست، تا کسی که آن را می‌شنود و یا می‌بیند، خیال کند که حقیقت همین است. بعضی از علما گفته‌اند: تزویر عبارت از هر گفتار و عملی است که به قصد تزویر باطل انجام می‌شود تا گمان رود که حق است، خواه در گفتار مثل شهادت زور (دروغ) یا در عمل مثل تغییر و تحریف قصدی در نوشته‌ها، اوراق قیمتی و پول به مقصد اثبات امر باطل باشد. بر این اساس، تحریف قصدی در وثایق، اسناد و مانند آن نوعی از تزویر است. بر اساس این تعریف، مصادیق تزویر مشخص نشده است، بلکه هر عملی که در راستای تطبیق حکم شریعت، واقعیت را خلاف آنچه که هست نزد قاضی جلوه دهد، تزویر است (شیخ احمدی، ۱۳۹۳: ۶۴).

شهادت دروغ در فقه اسلامی از مصادیق اصلی جرم تزویر است. قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) شهادت دروغ را شهادت زور (یعنی آلوده به تزویر) خوانده است. قانون جزای کشور، شهادت دروغ را جرم مستقل از تزویر تعریف کرده و برای آن مصادیق مشخصی پیش‌بینی کرده است (همان، ص ۶۶). برای نمونه،

هرگاه شاهد بعد از ادای سوگند قانونی در پیشگاه محکمه یا نزد مأمورین ضبط قضائی، عمداً به اظهار باطل، انکار حق، پوشاندن تمام یا بعضی از وقایعی که در مورد آن شهادت ادا می‌نماید بپردازد، شهادت وی دروغ شمرده می‌شود (کود جزا: ماده ۴۸۱).

بر اساس این ماده می‌توان گفت که شهادت دروغ، عبارت است از شهادت به‌منظور اظهار باطل، انکار حق، پوشاندن وقایعی که در شهادت دادن ارائه‌ی آنها لازم است.

پس گفته می‌توانیم که تمام مصادیق جرایم «تضلیل قضا، اطلاع دروغ و شهادت دروغ» از دیدگاه فقه اسلامی، گفتارها و عملکردهای آلوده به تزویرند؛ زیرا واقعیت و حقیقت را خلاف آنچه که هست جلوه داده و انعکاس می‌دهند؛ اما در اصطلاح قانون جزا، تزویر به‌شمار نمی‌روند. تفاوت دیدگاه فقه و قانون نسبت به مصادیق متذکره، یک تفاوت اصطلاحی است، آنچه مهم است نتیجه است و آن این که هر دو دیدگاه این‌گونه گفتارها و اعمال را معصیت و جرم دانسته و مرتکب آنها را مستوجب مجازات تعزیری می‌دانند (همان، ص ۶۶)

ث) تزویر در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح حقوقی، تزویر عبارت از آراستن و تغییر دادن اسناد، به قصد ضرر به غیر است. یا «ساختن هر چیز مثل سند به یکی از طرق پیش‌بینی شده در قانون برخلاف حقیقت» را تزویر می‌گویند. در واقع، تزویر عبارت از جرمی است که اعتماد عمومی مردم را نسبت به اسناد و نوشته‌های رسمی و غیر رسمی سلب نموده و آسایش عمومی افراد را مختل می‌سازد (سحاب، ۱۳۹۷: ۷۴-۷۵).

کود جزای جدید، تزویر را عبارت از تغییر حقیقت در نوشته به‌منظور نشان دادن کذب آن به صورت حقیقت با شیوه‌های مندرج در قانون دانسته است. بر اساس فقرة اول ماده ۴۳۶ کود جزای افغانستان «تزویر عبارت است از ساختن نوشته، سند، ساختن مهر، امضاء، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم‌خور ساختن، الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی

یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب، خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافه، تبدیل، تقلید یا حذف (همان، بند ۱، ماده ۴۳۶).

بنابراین، طبق ماده متذکره، تزویر وقتی اتفاق می‌افتد که یکی از اعمال فوق باشد، در غیر آن عمل تزویر واقع نمی‌شود. جزم تزویر در قانون جزا دارای دو صفت است: جرم عادی و جرم فساد اداری. این جرم وقتی توسط افراد عادی ارتکاب می‌یابد به‌عنوان جرم عادی و در محکمه عادی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. اما اگر توسط مأمور مؤظف خدمات عامه ارتکاب گردد، صفت فساد اداری را به‌خود گرفته و در محکمه فساد اداری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد (شیخ احمدی، ۱۳۹۳، ص ۶۵).

تزویر در معنای کلی آن، تغییر و تحریف حقیقت است، این عمل ممکن است در گفتار انسان اتفاق افتد و نیز می‌تواند در عملکرد انسان به‌وقوع بپیوندد. (همان، ص ۶۳).

۲. حکم تزویر در شریعت اسلامی و قانون

الف) حکم تزویر در شریعت اسلامی (فقه)

تزویر در شریعت اسلام، نامشروع است. اصل ناروا بودن تزویر آن است که به‌منظور ابطال حق و یا اثبات باطل است، بنابراین، حرام است (همان، ص ۶۷).
تزویر از نقطه‌نظر این‌که برای اشخاص غیر مستحق ایجاد حق نموده از طرف دیگر اشخاص ذی‌حق را بعضاً از حقوق‌شان محروم می‌سازد، شریعت اسلامی آن را حرام قرار داده است (شاگرد، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

آیات، احادیث و سیره خلفای راشدین دلالت بر این دارند که هر نوع تزویری که به‌خاطر ابطال حق و یا اثبات باطل باشد، چه در گفتار چه در عمل، حرام است. قرآن کریم اشاره می‌کند: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، یعنی

پس از پلیدی بتها (با اجتناب از عبادت آنها) دوری کنید، و از گفتار باطل و (دروغ) دوری نمایید (حج، ۳۰)

آیه کریمه دلیل براین است که گفتار آلوده به تزویر و دروغ، گناه کبیره و حرام است و آنقدر خطرناک است که در ردیف شرک به خداوند قرار گرفته است. چنانکه از ابو بکر (رض) روایت است که پیامبر اسلام (ص) در حدیثی ارشاد می‌فرماید: «الا انبئکم باکبرالکبائر؟ قالوا: بلی یا رسول الله. قال: ...الا و قول الزور...»؛ آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره خبر کنم؟ گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: ...گفتار دروغ و تزویری است... (زبیدی، بی تا: ص ۵۸۵).

در این حدیث، تزویر حرام و از بزرگترین گناهان کبیره پنداشته شده است. محدثین در تفسیر این حدیث گفته‌اند: منظور این حدیث این است که قول آلوده به تزویر، در میان گناهانی که منجر به مفسده و خوردن مال مردم به باطل می‌شوند از بزرگترین آنها به حساب می‌آید؛ یعنی از سرقت، دشمنی و حسد و...، نه این که به طور مطلق از بزرگترین کبائر باشد. زیرا، قتل بعد از شرک از جمله بزرگترین کبائر است.

در سیره خلفای راشدین، دیده می‌شود که هر کسی تزویر می‌کرد، مورد مجازات قرار می‌گرفت. روایت شده است که معن بن زیاد، مهر بیت المال را تزویر کرد و از آن مال گرفت. حضرت عمر (رض) او را صد ضربه شلاق زد و حبس کرد، سپس او را صد ضربه دیگر زد، و بار سوم نیز چنین کرد و در نهایت مال را از او گرفته به بیت المال تسلیم و خود او را از وظیفه اخراج نمود.

همچنین، روایت شده است که عمر بن عبدالعزیز (رض) شخصی را که مأمورین حکومتی به اتهام جعل سکه، گرفتار کرده و نزد ایشان آوردند، مجازات و حبس کرده و ماده آهنینی را که برای جعل و تزویر سکه آماده ساخته بود، گرفت و به آتش انداخت.

عملکرد این دو بزرگ مرد تاریخ اسلام، نشان می‌دهد که تزویر در شریعت اسلام معصیت بوده و مرتکب آن مستحق مجازات تعزیری می‌باشد. همچنان

فقه‌های حنفی تزویر در صکوک و اسناد کتبی را موجب تعزیر دانسته‌اند (شیخ احمدی، ۱۳۹۳: ۶۸-۶۹).

می‌دانیم که تزویر در شریعت اسلامی حرام قرار داده شده است. زمانی که از شریعت نام برده می‌شود تمام شرایع آسمانی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، می‌توان به این آیه قرآن کریم استدلال نمود و حرمت تزویر و تحریف را ثابت ساخت. چنان‌که خداوند کریم در مذمت یهود از تحریف کاری‌های آن‌ها یادآوری کرده و می‌فرماید: «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»؛ بعضی از یهودی‌ها کسانی هستند که کلمات را از جاهایش تغییر می‌دهند (نساء، آیه ۴۶).

آنگونه که در مثال‌های فوق به مجازات تزویرکننده در حکومت خلفای اسلامی اشاره شد، دانسته می‌شود که برای تزویرکننده در فقه اسلامی جزای تعزیری ثابت شده است. در جرم تزویر، هرگاه شخص تزویرکننده از سند تزویری، منفعتی کسب نماید، قابل مجازات دانسته می‌شود (شاکر، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

دلایل حرمت تزویر

دلایل زیادی در قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام و هم‌چنین دیدگاه فقه‌های اسلامی وجود دارد که بر حرمت تزویر اشاره و تأکید کرده است که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم.

یکم) آیات

قرآن کریم در آیات متعددی تزویر را حرام دانسته است که به‌عنوان نمونه به چند آیه اکتفا می‌کنیم. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؛ یعنی کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند (فرقان، ۷۲). هم‌چنین، در جای دیگر خداوند حکیم می‌فرماید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»؛ یعنی پس، از پلیدی

بتها (با دوری از عبادت آنها) اجتناب کنید، و از گفتار باطل و دروغ دوری نمایید (حج، ۳۰).

دوم) روایات

از ابوهریره (رض) روایت است: «مر رسول الله (ص) برجل یبوع طعاما، فأدخل یده فیه، فإذا هو مغشوش فقال رسول الله (ص) لیس منا من غش»، از ابوهریره (رض) روایت است که پیامبر گرامی اسلام از کنار مردی که طعامی را می فروخت عبور کرد، دستش را داخل «گندم» فروبرد، متوجه شد که داخل آن خیس (تر) است، پیامبر بزرگ اسلام فرمودند: کسی که فریبکاری کند از ما نیست (همان، ص ۹۹؛ به نقل از مسند احمد، ج ۱۲، ص ۲۴۲).

همچنین، از عبدالله بن مسعود از پیامبر خدا (ص) روایت است که فرمودند: بهترین مردمان، کسانی‌اند که در عصر من زندگی می‌کنند و ادامه دادند تا این‌که گفتند بعد از تبع تابعین مردمانی خواهند آمد که پیش از سوگند خوردن شهادت می‌دهند، و پیش از شهادت دادن سوگند می‌خورند (زبیدی، بی تا، ج ۱: ص ۵۸۵). از ابوبکر (رض) نیز روایت شده است که گفت: پیامبر خدا (ص) فرمودند: آیا از بزرگترین گناهان کبیره شما را خبر بدهم؟ بعد از موافقت اصحاب، از شرک به الله و حقوق والدین نام برده و دوزانو نشسته و گفتند: «بدانید که شهادت ناحق». راوی می‌گوید: این سخن را آن قدر تکرار کردند که گفتیم! ای کاش خاموش شود (همان، حدیث، ۱۱۷۶، ص ۵۸۵).

سوم) فقه

تزویر در فقه نیز حرام قرار داده شده است و فقهای حنفی تزویر در سکوک و اسناد کتبی را موجب تعزیر دانسته‌اند.

اسلام خیانت و فریبکاری را به هر صورت و شکلی که باشد حرام نموده است. یعنی هر نوع معامله‌ای که میان انسان‌ها انجام می‌گیرد باید از فریب و دسیسه به دور باشد. زیرا، مسلمانان در تمام شئون زندگی ملزم به رعایت صداقت هستند و

اخلاص در دین از هر دست آورد دنیایی پربهتر می‌باشد. اخلاق سلف صادق، طوری بود که از فریبکاری و خدعه اجتناب می‌کردند (قرضاوی، ۱۳۸۸: ۳۲۱-۳۲۲). حدیثی را که در فوق ذکر نمودیم بر شدت گناه هر نوع دروغ خصوصاً بر شدت شهادت دروغ دلالت می‌کند (بدخشانی، ۱۴۳۵ق، ج ۵: ۷۱۰). از طرف دیگر، همه انواع غش و خیانت و کلاهبرداری حرام و ممنوع است. روایتی آمده است که می‌فرماید: هرکسی که غش و خیانت نماید از ما نیست (قرضاوی، ۱۳۸۵: ۳۳۵).

ب) حکم تزویر در کود جزای افغانستان

در قانون جزا، برای مرتکب جرم تزویر مجازات حبس پیش‌بینی شده است. در بعضی موارد علاوه بر مجازات حبس، در صورتی که خسارت وارد کرده باشد، به جبران آن نیز محکوم می‌شود و در برخی موارد دیگر، مجازات نقدی نیز پیش‌بینی شده است.

چنانکه کود جزا در این مورد صراحت دارد: فقره اول) شخصی که بدون صلاحیت، مهر اداره یا تصدیق دولتی را به‌دست آورده و آن را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

فقره دوم) شخصی که بدون صلاحیت، مهر اداره غیر دولتی را به‌دست آورده و آن را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند، به حبس قصیر محکوم می‌گردد (کود جزا، : ماده ۴۴۰). قانون، جزای حبس متوسط و قصیر را برای افرادی در نظر گرفته است که بدون صلاحیت مهر اداره دولتی یا غیر دولتی را به گونه استعمال نماید که ضرر آن متوجه منافع عامه گردد. چون نظم عامه و امنیت عمومی مهم‌ترین موضوعی است که اگر با انجام فساد مختل شود زمینه‌های زیست برای افراد بشری تنگ خواهد شد، بنابراین قانون با در نظر داشت آن، این موضوع را مطرح نموده است.

قانون در رابطه به ترتیب تصدیق مزور این گونه صراحت دارد: (۱) هرگاه طبیب، جراح یا قابله یا سایر مؤظفین طبی، تصدیق مزور را با وجود علم در موارد موجودیت یا عدم موجودیت حمل، مرض روحی یا روانی، ضرب، جرح، کسر، عیب یا وفات و یا سایر موارد به شخص بدهد، به حبس متوسط تا سه سال، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به اثر طلب چیزی برای خود و یا شخص دیگری و یا در بدل قبول و یا اخذ وعده یا بخشش ارتکاب گردد، مرتکب به جزای جرم رشوت مندرج این قانون، محکوم می‌گردد (همان، ماده ۴۴۱). این ماده در تلاش برای از میان برداشتن راه‌های رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی است، تا زمینه فساد اداری به وجود نیامده و دامنه‌های آن وسعت پیدا نکند. زیرا، رشوه و امثال فساد که از طرف اداره صورت بگیرد و به آن توجه نشود، دامنه‌های آن وسیع گردیده و روند زندگی سالم را از یک ملت در یک سرزمین می‌گیرد. این جاست که طلب چیزی را برای خود و شخصی دیگری، قبول وعده بخشش یا اخذ را جرم محسوب نموده و مرتکب آن را مستحق جزای جرم رشوت دانسته است. در ماده دیگر قانون تصریح می‌کند: شخصی که خود وی یا توسط شخص دیگری تصدیقی را در مورد اثبات معلولیت برای خود یا برای شخص دیگر، به‌منظور تقدیم آن به مراجع ذی‌صلاح دولتی به قصد بهره‌برداری غیر مشروع برای خود یا دیگری به‌نام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد (همان، ماده ۴۴۲).

بحث اصلی ماده فوق، این است که تصدیق در مورد اثبات معلولیت جهت بهره‌برداری غیرمشروع که توسط خود و دیگری یا برای خود و دیگری باشد، جرم محسوب شده و سبب حبس قصیر و جزای نقدی از ۳۰ تا ۶۰ هزار افغانی می‌شود. زیرا هر نوع سوء استفاده زمینه‌ساز مختل‌سازی روند زندگی اجتماعی، اداری و امنیتی می‌گردد. بر این اساس، قانون از خود واکنش نشان داده و عکس‌العمل اجتماعی را در قبال همچو پدیده‌های شوم و تباه‌کن پیش‌بینی نموده است، تا از این طریق بتوان از نابسامانی‌ها در جامعه انسانی جلوگیری نمود.

۳. عناصر متشکله جرم تزویر

بدون تردید جرم تزویر امروزه در قوانین کشورهای جهان، از جمله جرایم اختصاصی به‌شمار می‌رود و هر جرم اختصاصی یک سلسله عناصر متشکله منحصر به خود را دارا می‌باشد که یک جرم را از جرایم دیگر تفکیک و تشخیص می‌نماید. پس جرم تزویر نیز عناصر متشکله به‌خصوص خود را دارد که عبارت‌اند از: وارد نمودن تغییر و تبدیل در حقیقت، موجودیت ضرر و به‌دست آوردن منفعت که برای روشنی بیشتر هر یک از این عناصر را به‌صورت جداگانه در دو جزء مورد بحث قرار می‌دهیم.

جزء اول) وارد نمودن تغییر و تبدیل در حقیقت

برای آن که جرم تزویر تحقق یابد و مرتکب آن قابل مجازات پنداشته شود، لازم است در یک سند و یا اسناد تغییر و تبدیل خلاف واقعیت وارد گردد (واصل، ۱۳۹۸: ۲۷۰)؛ مانند موضوعات آتی که کود جزای کشور در بند یک ماده ۴۳۶ خود از آن‌ها نام برده است.

طبق ماده ۴۳۶، تزویر عبارت است از ساختن نوشته، سند، ساختن مهر، امضاء، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم خور ساختن، الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به‌کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب. خلاف حقیقت یا تغییردادن آن به‌وسیله اضافه، تبدیل، تقلید یا حذف (کود جزا، بند ۱، ماده ۴۳۶).

مثلاً از بین بردن یک جزء کلمه مانند این که همی‌فروشم را به می‌فروشم یا اعداد یک را به دو و سه و یا یک کلمه را از بین بردن و یا در حاشیه یک سند یک موضوع را اضافه کردن و یا کلمه عزیز را تغییر و تبدیل به عزیز و ... تغییر و تبدیلی که خلاف واقعیت صورت گیرد جرم تزویر تحقق پیدا می‌کند. (همان، ص ۲۷۱)

جزء دوم) موجودیت ضرر و به‌دست آوردن منفعت

یکی دیگر از عناصر متشکله جرم تزویر موجودیت ضرر به غیر و به‌دست آوردن منفعت است. یعنی امکان ضرر به غیر از عناصر تشکیل دهنده جرم تزویر است، بنابراین، یک موضوع خلاف حقیقت در صورت موجب تحقق جرم تزویر می‌گردد که در اثر آن ضرری به دیگری وارد شود و یا احد اقل امکان به وجود آمدن آن محتمل باشد. اما یک چیز را باید دقیق بود که به‌صورت عموم ضرر رساندن به افراد شرط نیست. ممکن است که در جرم تزویر به فرد هیچ ضرری نرسد، اما بدون ضرر رساندن به منتسب‌الیه امکان دارد شخصی که تزویر نموده است برای وی مفاد به وجود آید. اضرائی که از تزویر به وجود می‌آید، عبارت از ضرر مادی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی یا عمومی می‌باشد که هرکدام را به‌صورت مختصر بیان می‌کنیم.

الف) ضرر مادی: ضرر معمولاً مادی بوده و متوجه دارای و اموال اشخاص اعم از اشخاصی حقیقی و حقوقی می‌شود.

ب) ضرر معنوی و اخلاقی: ضرر زمانی معنوی و اخلاقی است که متوجه اعتبار، شهرت و حیثیت خانوادگی و شغلی شخص شود. مانند؛ ساختن نوشته‌ای با امضاء مجعول، که اعمالی را به خانمی نسبت دهد که منافی شئونات و حیثیت خانوادگی وی باشد.

ج) ضرر اجتماعی و عمومی: ممکن است تزویر به‌هیچ‌صورت از حالات قابل تصور و پیش‌بینی شده در قوانین مختلف اعم از مدنی و جزایی به شخص یا اشخاص معینی ضرر وارد نسازد. بنابراین، مرتکب در صورتی از لحاظ جزائی غیر قابل تعقیب و مجازات دانسته می‌شود که عمل به‌نحوی از انجا به اجتماع ضرر برساند. این ضرر معمولاً به‌صورت خسارت مادی نسبت به دولت بوده و یا ضرر معنوی را به همراه دارد (همان، ص ۲۷۲).

۴. انواع جرم تزویر

تزویری که در اسناد و نوشته‌ها و سایر موضوعات صورت می‌گیرد، دو نوع یعنی مادی و معنوی می‌باشد. اکنون هر کدام را طی دو جزء به بررسی می‌گیریم.

یکم) تزویر مادی

تزویر مادی زمانی تحقق پیدا می‌کند که در یک نوشته به صورت فیزیکی تحریف صورت گرفته باشد. یا تغییرات انجام شده، محسوس و مشخص باشد. بدین ترتیب، زمانی تزویر مادی پنداشته می‌شود که تغییرات معلوم و مشخص در خارج محسوس باشد و باید به طور طبیعی در قانون و اسناد معتبر نه در اسنادی که فاقد اعتبار و ارزش حقوقی باشد، پیش‌بینی به عمل آمده باشد.

بنابراین، تزویر مادی ممکن است به صورت خراشیدن یا تراشیدن، قلم بردن یا الحاق، محو یا سیاه کردن، تقدیم و یا تأخیر سند، نسبت به تاریخ حقیقی، الصاق نوشته‌ی به نوشته‌ی دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن باشد که هر کدام به صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) خراشیدن یا تراشیدن: برخی معتقدند که خراشیدن، محو جزئی از کلمه در سند یا نوشته است که جزئی از کلمه تغییر پیدا می‌کند؛ اما تراشیدن شامل محو و از بین بردن کامل کلمه می‌باشد، به طوری که از خود آثاری باقی نگذارد. در تراشیدن که معمولاً به وسیله آلات مخصوص از قبیل چاقو، تیغ، کاغذتراش، یا شیشه و امثال آن‌ها که عرفاً تراشنده است، صورت می‌گیرد و تمام قسمت تراشیدن ممکن است جزء از کلمه یا کل آن باشد، ولی در نتیجه این عمل، نوشته اصلی غیر خوانا یا به نحوی دیگری خوانا می‌گردد و یا این که اساس نوشته از حیث رنگ جوهر کهنه و قدیمی وانمود می‌شود (همان، ص ۲۷۲-۲۷۳). برای نمونه، عدد ۳ را با ناخن به عدد ۲ تبدیل کنیم، یا از بین بردن یکی از حروف الفباء، مانند حرف «ی» از کلمه حسین و تبدیل آن به حسن. اما در مثال تراشیدن می‌توان گفت که تراشیدن اسم پدری کسی از سند و گذاشتن اسم پدر خود به قصد این که در آینده مورد استفاده قرار گرفته بتواند (سحاب، ۱۳۹۷: ۷۷).

ب) الحاق: شامل اضافه نمودن رقم، عدد، واژه یا علامت مخصوصی دستور زبان در قسمت‌های خالی بین سطور و کلمات یک نوشته یا سند می‌باشد که در تغییر معنی می‌تواند مؤثر باشد. مثلاً، اضافه کردن چند صفر به ارقام مندرج چک یا اضافه کردن حرف یا واژه.

پ) قلم بردن: تبدیل کردن و تغییر دادن حروف و واژگان یا ارقام موجود بدون این که کلمه و رقم جدید اضافه شود؛ مانند تبدیل ۲ به ۵ یا ممکن است مرتکب با استفاده از قلم بخش‌های از یک نوشته یا سند را ناخوانا کرده یا خط بزند.

ت) محو: پاک کردن و از بین بردن جمله، واژه، حروف، عدد، رقمی در یک نوشته یا سند به گونه‌ای که نتوان به آن پی برد که معمولاً با مواد شیمیایی یا وسایلی مانند پاک‌کن، لاک غلط‌گیر، آب یا دستگاه‌های تایپ، صورت می‌گیرد.

ث) سیاه کردن یا اثبات: ناخوانا کردن قسمتی از یک نوشته یا سند، به وسیله ایجاد لکه جوهر (همان، ص ۷۸).

اما در اثبات، علایمی که حاکی از بطلان نوشته است پاک می‌شود؛ چنین وانمود می‌شود که علامت بطلان اصلاً وجود نداشته است. برای نمونه، بعد از پرداخت پول روی صورت‌حساب‌ها یک علامت چلیپا کشیده می‌شود که نشان دهنده بطلان و بی‌اعتبار بودن صورت‌حساب، است. اگر شخصی به هر طریق ممکن آن علامت را از بین ببرد در این صورت اقدام به اثبات کردن سند یا نوشته نموده است. به صورت خلاصه می‌توان گفت که اثبات، عبارت از اعتبار دادن به امر باطل مندرج در سند یا نوشته است (واصل، ۱۳۹۸: ۲۷۴).

ج) الصاق: مونتاژ اسناد و نوشته‌ها به همدیگر به‌طور متقلبانانه است؛ مثلاً جدا نمودن امضای فردی از ذیل یک نوشته و وصل کردن آن به یک سند مالی. در این حالت قسمت‌های از یک نوشته یا سند به نوشته یا سند دیگر منضم می‌شود؛ به طوری که آنچه به وجود می‌آید، نوشته واحدی تصور شود. ممکن است ضمیمه کردن از طریق منگنه کردن، چسپاندن، و به طریق دیگری انجام شود، به شرط این که آنچه حاصل می‌شود، نوشته واحدی محسوب گردد.

چ) تقدیم و تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن: این امر ممکن است از مصادیق تزویر مادی یا معنوی باشد، در این حالت، فرد پس از تنظیم سند، تاریخ مندرج در آن را پس یا پیش می‌اندازد (سحاب، ۱۳۹۷: ۷۸).

اما عبد الاقرار واصل، در کتاب جزای اختصاصی خود مقدم یا مؤخر نمودن تاریخ سند نسبت به تاریخ واقعی آن را تزویر مادی خوانده است و از مثال‌های ذیل استفاده برده است که، یک سند انتقالی امروز نوشته شده و تاریخ آن را دو روز بعد می‌نویسند یا حکم تغییر مأموریت امروز ابلاغ می‌شود و تاریخ ابلاغ را سه روز بعد می‌گذارند.

ح) استفاده از مهر دیگری: اعم از شخص حقیقی و حقوقی، بدون اجازه صاحب آن در سند یا نوشته‌ای که قابلیت اضرار را دارد، اعم از این که مهر نزد او به امانت باشد یا به صورت غیر قانونی تحصیل کرده باشد (همان، ص ۷۷-۷۸).

دوم) تزویر معنوی

تزویر معنوی عبارت از آن تزویری است که شخص فاعل هیچ‌گونه تحریف و خدشه‌ای را در سند موجود از لحاظ این که مفاد و مضمون آن را به نحوی چون استفاده از تراشیدن، خراشیدن، قلم بردن و ... تغییر بدهد، به عمل نمی‌آورد (واصل، ۱۳۹۸: ۲۷۶). به بیان دیگر، تزویر معنوی عبارت است از تغییر دادن حقیقت در اسناد و نوشته‌ها بدون این که در آن اثری گذاشته شود که با حس قابل درک باشد. این نوع تزویر جز هنگام ایجاد اسناد واقع نمی‌شود؛ به همین علت است که اثبات آن دشوار می‌باشد. جرم تزویر نوعاً از جمله جرایم عمدی است. یعنی متزور عمداً یک نوشته یا سند را متقلبانه می‌سازد یا در اسناد و نوشته به صورت غیر قانونی تصرف می‌نماید، به صورتی که مفهوم آن را تغییر می‌دهد. پس جرم تزویر با اراده و خواست قبلی مرتکب، صورت می‌گیرد و شخص نمی‌تواند ادعا نماید که در حالت بی‌هوشی یا خواب، خط یا امضاء یا سندی را جعل و یا تزویر نموده است. به فرض این که ارتکاب تزویر در حالت اجبار و اکراه تام، قابل پذیرش باشد، در این صورت اجبارکننده به مجازات فاعل تزویر محکوم می‌گردد. زیرا، جرم تزویر از جمله جرایم

عمدی است و از طرف دیگر مرتکب، قصد ضرر به دیگری را داشته است (سحاب، ۱۳۹۷: ۷۸-۷۹).

این امر را می‌توان از ماده مرتب به قصد از کود جزا استنباط کرد: «جرم وقتی عمدی شمرده می‌شود که قصد جرمی نزد مرتکب آن محقق شده باشد.» فقره دوم ماده مذکور چنین مشعر است: «درحالتی که شخص به موجب قانون یا موافقت به انجام وظیفه، مکلفیت داشته باشد و از ایفای آن عمداً امتناع ورزد، به نحوی که امتناع وی منجر به وقوع جرم گردد (کود جزا: ماده ۴۴).

به عبارت دیگر، در جرم تزویر، شرط است که عمل جرمی یک جا با قصد عام باشد، به این مفهوم که فاعل آگاهی کامل از رکن مادی جرم تزویر داشته باشد، و هم چنین مزور باید علاوه بر قصد عام قصد خاص نیز داشته باشد، به این معنی که فاعل جرم تزویر علاوه بر عملش به عناصر مادی جرم، شرط است که جرم تزویر را به نیت حیل‌گری و فریب‌کاری مرتکب شده باشد. همچنین، کسی که سند جعلی را استعمال می‌کند، باید بر عمل جرمی خویش آگاهی داشته باشد که سند مورد استعمال وی مزور است (شاکر، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

در وقوع این جرم تنها از بین بردن حقیقت یک نوشته یا سند کافی نیست، بلکه زمانی محقق می‌شود که از بین بردن حقیقت یک نوشته یا سند قابلیت وارد آوردن ضرر به دیگری را داشته باشد (کود جزا: فقره ۱ و ۲، ماده ۴۴).

در رابطه با عنصر معنوی ماده ۳۸ کود جزا، چنین مشعر است: عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی. فقره اول: قصد جرمی عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلی که جرم را به وجود می‌آورد، به نحوی که منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر و یا وقوع نتیجه جرم دیگری شود (همان، ماده ۳۸).

اکنون لازم است که به طرق تزویر معنوی اشاره‌ی داشته باشیم.

طرق تزویر معنوی

الف) سوء استفاده از امضاء در ورق سفید: در این نوع تزویر با وجود آنکه اسناد دارای امضای صحیح است، ولی تزویرکننده از این امضاء استفاده نموده، در بالای امضاء و در متن سند بیاناتی را می‌نویسد که از صاحب امضاء صادر نگردیده است. برای نمونه، صاحب پول چک را امضاء می‌کند و تزویرکننده در بالای امضاء مبلغی را می‌نویسد که صاحب امضاء از آن آگاهی ندارد.

ب) جلوه دادن وقایع یا اقوال دروغ در قالب صحیح: این گونه تزویر در اسناد رسمی و عرفی واقع می‌شود که وقایع و اقوال دروغ را به شکل وقایع و اقوال صحیح جلوه می‌دهد. مانند شخصی که از طرف دولت مؤظف می‌شود که برود و فلان زمین را از نزدیک مشاهده کند. مؤظف مذکور به آن جا نمی‌رود ولی گزارش را به گونه‌ی تهیه می‌کند که گویا وی به آن جا رفته و زمین را از نزدیک مشاهده کرده است.

ج) تغییر اقوال و اقرارات مهم: این نوع تزویر در نوع خیانت در اعتماد و امانت بازتاب می‌یابد. یعنی نوشتن آنچه که مخالف سخن گفته شده باشد. که این نوع تزویر هم در اسناد رسمی و هم در اسناد عرفی واقع می‌شود. مانند این که با استفاده از جهل مجنی علیه نسبت به خواندن و نوشتن به عوض آنچه که علیه جانی نوشته شده، سند دین تدوین کرده شود.

د) تزویر ظاهر یا آشکار: مراد از آن تغییر حقیقت در اسناد است به نحوی که اسناد قوت خود را در اثبات از دست بدهد که نتواند اثر حقوقی را ایجاد نماید. شرط این گونه تزویر این است که تزویر به گونه‌ای باشد که فریب خوردن برخی از مردم در آن غیر متصور باشد و این گونه تغییر، تغییری است که اسناد مظهر و سیمای قانونی خود را از دست می‌دهد (نذیر، ج ۲، ۱۳۹۶: ۲۳۴-۲۳۶).

۵. انگیزه‌های جرم تزویر

- حصول مادیات؛

- کسب منافع معنوی؛
- به دست آوردن حقوق از راه‌های غیرمشروع؛
- همکاری به طریقه غیرمشروع؛
- رقابت‌های ناسالم در زندگی؛
- شکارشدن و گیرماندن در دام جاسوس‌های کشورها (شاکر، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

۶. مجازات جرم تزویر در کود جزای جدید

کود جزای جدید در بند دوم ماده ۴۳۶ خود چنین بیان می‌دارد: شخصی که یکی از اشیای آتی را تزویر یا با وجود علم به تزویر، آن را استعمال یا به افغانستان داخل نماید، به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم می‌گردد.

۱- اسناد رسمی دولت، قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه. ۲- مهر دولت مهر یا امضای ریس دولت (کود جزا، بند ۲، ماده ۴۳۶).

۲- مراد از تزویر در این جا ساختن اشیای متذکره یا تغییر دادن به وسیله اضافه، تبدیل یا حذف آن‌ها است. شخصی که خودش در اشیای متذکره تزویر می‌کند و هم چنین کسی که به واسطه شخص دیگری در آن‌ها تزویر می‌نماید، هر دو من حیث فاعل اصلی، مشمول حکم فقرة ۲ ماده ۴۳۶ قانون جزا بوده و مستحق مجازات می‌باشند.

۳. مراد از استعمال تنها به کار بردن آن‌ها نیست، بلکه استعمال می‌تواند به یکی از صورت‌های آتی تحقق پیدا کند. الف) کسی که وسایل تزویری، در اشیای مذکوره را به کار برد. ب) شخصی که از اشیای تزویر شده مزبور استفاده کند. ج) کسی که اشیای تزویر شده مزبور را ترویج دهد.

۴. مراد از وارد کردن اشیای تزویر شده مذکوره، آوردن آنها به داخل کشور می‌باشد. این عبارت بیانگر این مطلب است که اشیای متذکره در خارج از افغانستان ساخته شده و سپس به داخل افغانستان آورده شده است، اما این شرط ضروری نیست، بلکه می‌تواند در داخل افغانستان ساخته شده سپس به خارج انتقال داده شده و پس از آن به داخل افغانستان آورده شده باشد. پس جزای این جرم طبق فقره دوم ماده ۴۳۶، حبس متوسط می‌باشد (نذیر، ج ۲، ص ۲۳۰).

طبق ماده ۴۳۷، شخصی که یکی از اشیای آتی را به قصد تزویر بسازد یا با وجود علم به تزویر، آن را استعمال یا به کشور داخل نماید، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

۱- مهر، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدی‌های دولتی؛ ۲- مهر، امضاء یا علامه یکی از مؤظفین خدمات عامه؛ ۳- علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره؛ ۴- جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت؛ ۵- اوراق مالی بانک‌ها که صدور آن قانوناً مجاز باشد؛ ۶- شهادت‌نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی؛ ۷- جواز شرکت‌های غیر واقعی (خیالی)؛ ۸- لایسنس یا جواز سیر؛ ۹- تذکره تابعیت؛ ۱۰- پاسپورت؛ ۱۱- سند مسافرت؛ ۱۲- سند اقامت؛ ۱۳- سایر اسناد رسمی که از طرف مراجع دولتی ترتیب و صادر می‌گردد. جزای این جرم طبق فقره ۱ ماده ۴۳۷ قانون جزا، حبس متوسط است (کود جزا: فقره ۱، ماده ۴۳۷).

(۲) شخصی که اسناد مندرج از جزء ۸ تا ۱۳ فقره ۱ این ماده را به‌منظور ارتکاب جرم تروریستی، تزویر نماید، با رعایت حکم ماده ۲۷۸ این قانون مجازات می‌گردد.

تزویر در اسناد و نوشته‌جات یا از طرف مؤظف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه یا در غیر اثنای اجرای وظیفه و یا هم از طرف افراد عادی واقع می‌شود. هرگاه در اثنای اجرای وظیفه واقع شود دو حالت دارد تزویر یا مادی است یا معنوی.

هرگاه تزویر در اسناد و نوشته‌جات از طرف مؤلف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه واقع شود و تزویر مادی باشد، در این حالت طبق احکام فقره‌های ۱ و ۲ ماده ۴۳۸ قانون جزا، اگر در اسناد رسمی باشد جزای آن حبس طویل و اگر در اسناد عرفی باشد جزای آن حبس قصیر یا متوسطی است که از دو سال بیشتر بوده نمی‌تواند (همان، ص ۲۳۷). چنان‌که فقره ۱ بیان می‌دارد: (۱) هرگاه مؤلف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه، احکام صادره، تصاویر، وثایق، کتب ثبت اسناد، دفاتر و سایر اسناد و نوشته‌های رسمی را عمداً تزویر نماید، به حبس طویل، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه تزویر مندرج فقره (۱) این ماده در اسناد عرفی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد (همان، ماده ۴۳۸).

اما هرگاه تزویر در اسناد و نوشته‌جات از طرف مؤلف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه واقع شود و تزویر معنوی باشد، در این حالت طبق حکم ماده ۴۳۹ قانون جزا، جزای آن حبس متوسط می‌باشد. چنان‌که تصریح می‌دارد: هرگاه مؤلف خدمات عامه به قصد تزویر، متن یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن من حیث وظیفه، در غیر از حالات مندرج ماده ۴۳۷ این قانون، تغییر بدهد، خواه این تغییر در اقرار شخصی باشد که سند برای او تحریر می‌شود و یا واقعه مزوره را با وجود علم به تزویر آن به شکل واقعه صحیح و یا عکس آن درج نماید، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

هرگاه تزویر در اسناد و نوشته‌جات از طرف افراد عادی یا از طرف مؤلف خدمات عامه ولی در غیر اثنای اجرای وظیفه واقع شود، در این حالت تزویر نیز یا مادی است یا معنوی، اگر مادی باشد، طبق حکم فقره ۳ ماده ۴۳۸ قانون جزا، جزای آن حسب احوال حبس متوسط یا طویلی است که از ده سال تجاوز نکند (نذیر، ج ۲، ۱۳۹۶: ۲۳۷-۲۳۸).

۷- دعوای تزویری

ماده ۱۸۶ قانون اجراءات جزایی بیان می‌دارد که طرفین دعوی می‌توانند در هر مرحله از مراحل کشف، تحقیق و اقامه دعوی به هر ورق از اوراق و اسناد ارائه شده، دعوای تزویر را اقامه نمایند.

در دعوای تزویر، تعیین ورقی که علیه آن دعوای تزویر صورت می‌گیرد، ذکر دلایل آن حتمی می‌باشد.

طبق حکم ماده ۲۱ قانون اجراءات جزایی؛ اسنادی در محکمه مدار حکم قرار داده می‌شود که در مطابقت با احکام قانون ترتیب شده باشد. هر سند یا ورقی که در آن تغییر، تحریف یا تبدیل صورت گرفته و به اثر نقض احکام قانون اجراءات جزایی حاصل و با واقعیت منطبق نباشد، نزد محکمه منحیث سند مدار حکم پنداشته نمی‌شود.

۱. در این ماده قانون، خأرنوالی و محکمه مکلف ساخته شده‌اند تا از وجود یا عدم وجود چنین اسناد اطمینان حاصل نمایند.

بنا براین، قانون برای طرفین دعوی حق داده است تا هرگاه در مراحل مختلف تعقیب عدلی اعم از کشف، تحقیق و اقامه دعوی بالای هر ورق از اوراق و اسناد ارائه شده ادعای مبنی بر تزویر بودن آن داشته باشند، می‌توانند علیه آن ادعای تزویر نمایند.

۲. هدف از اقامه دعوای تزویر در این ماده، ارائه شکایت یا اعتراض طرف است در رابطه به ورقی که در آن ادعای تزویر صورت می‌گیرد. بنابراین، هر یک از طرفین دعوی این حق را دارند تا به هر ورق از اوراق، ادعای تزویر را نمایند، مشروط بر این که برای ادعای خود دلیل یا دلایلی را ارائه نمایند.

شخصی که ادعای تزویر در اوراق یا اسناد را می‌نماید، مکلفیت دارد تا ورق یا سند را مشخص ساخته و هم در رابطه به نادرست بودن یا تزویری بودن آن دلایل خود را ارائه بدارد. زیرا، ادعای صرف در مورد کافی نبوده و نمی‌توان بر آن اثری را مرتب نمود (رسولی، ۱۳۹۴: ۳۷۸).

نتیجه‌گیری

از مباحثی که در رابطه با تزویر صورت گرفت، به این نتیجه می‌رسیم که: آنچه که در یک جامعه، به خصوص جامعه اسلامی مهم است، امنیت (فیزیکی، اقتصادی و مالی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ...) است؛ یعنی همان اعتماد و اعتبار در هر عملکرد و برخورد انسانی و بشری. روشن است که جرم تزویر شکننده و از بین برنده اعتماد و اعتبار از هر نگاه در یک جامعه به حساب می‌رود. پس به‌خاطر این‌که بتوانیم وضعیت نورمال روند زندگی بشر را حفظ نمایم، لازم است از همچو عملکردهای جلوگیری صورت بگیرد تا بشریت در اجتماع انسانی و بشری بدون کدام ترس و وحشت زندگی نمایند.

آنگونه که ملاحظه گردید، تزویر در شریعت اسلام حرام و ناروا است؛ روی همین ملحوظ خلفای اسلامی از جمله حضرت عمر فاروق (رض) و عمر بن عبدالعزیز (رح) خلیفه پنجم اسلام این مورد را ناجایز شمرده و کسانی را که دست به همچو عملی زده بودند، مجازات نموده و الهی را که توسط آن تزویر کرده بودند به آتش انداختند. پس به‌صورت خلاصه گفته می‌توانیم که تزویر در شریعت اسلامی جای نداشته و ناجایز و حرام شمرده شده و تزویرکننده، قابل مجازات دانسته شده است تا جامعه اسلامی و انسانی به آلودگی‌ها و نابسامانی‌ها مواجه نگردد.

هم‌چنین، در کود جزای افغانستان می‌توان مشاهده کرد که عمل تزویر جرم و مرتکب آن قابل مجازات دانسته شده است. اعم از این‌که مزور، مأمور خدمات عامه باشد یا افراد ملکی، به هر صورت، مرتکب تزویر قابل مجازات دانسته شده است که در موارد متعدد به آن پرداخته شد.

منابع

قرآن کریم

۱. بدخشانی، محمد اکرام الدین، (۱۴۳۵ ق.). ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن (فارسی) ج ۵، لاهور: مکتب اسلامی، دوم.
۲. رسولی، محمد اشرف، (۱۳۹۴)، شرح و توضیح قانون اجراءات جزایی، وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان.
۳. زبیدی، احمد، زین الدین، بن عبد الطیف، (بی تا). مترجم، مختصر صحیح البخاری، مترجم، عبدالرحیم فیروز هروی، رحمت الباری، ج ۱، کتاب شهادت‌ها، بیروت: لبنان.
۴. سحاب، سید نعیم، (۱۳۹۷). جرم تزویر در حقوق جزای افغانستان، فصلنامه علمی، پژوهشی خرنوال، ارگان نشراتی لوی خرنوالی افغانستان.
۵. شاکر، سید حبیب، (۱۳۹۴). حقوق جزای اختصاصی افغانستان، چاپ مطبعه الفاروق، انتشارات حامد رسالت.
۶. شیخ احمدی، عبدالصیر، (۱۳۹۳). اسلام و مبارزه با فساد اداری، بی جا، مطبعه توانا.
۷. عمید، حسن، فرهنگ لغت فارسی، ج ۲.
۸. قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۸). حلال و حرام در اسلام، مترجم، ابوبکر حسن زاده، تهران: نشر احسان.
۹. _____، دورنمای جامعه اسلامی، (۱۳۸۵). مترجم، عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان، دوم.
۱۰. کود جزا، (۱۳۹۷). کابل، انتشارات فرهنگ.
۱۱. لغت نامه دهخدا

۱۲. نذیر، دادمحمد، (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، (بازنگری شده طبق کود جزای جدید) ۱۳۹۶، بی جا: انتشارات حامد رسالت، دوم.
۱۳. واصل، عبدالقارر، (۱۳۹۸). حقوق جزای اختصاصی (باتطبیق و اضافات مطابق کود جزا)، انتشارات سعید، چاپ خانه سعید، سوم.
۱۴. وزارت عدلیه، (۱۳۵۵). قانون جزا، جریده رسمی، شماره سیزدهم.